

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمس الدین امانتی

۰۴ نومبر ۲۰۱۶

## برگزاری کلاس درس در غسالخانه؟!!

آموزش و پرورش رژیم اسلامی، یکی از خیرسازترین وزارتخانه هائی است که متأسفانه سرنوشت ۱۳ میلیون دانش آموز و ۹۷۰ هزار پرسنل شاغل در آن، به مهره های سوخته و سر سپرده واگذار شده که خود نیز تا کنون از مشکل سازترین وزرای رژیم اسلامی، بوده و هستند.

بازتاب این مشکلات نه تنها در رابطه با تعویض «فانی» که رکورددار کابینه یازدهم در استیضاح و دریافت کارت زرد از مجلس اسلامی بود، بلکه تاکنون افراد معرفی شده توسط «روحانی» جهت جایگزینی «فانی» از جانب نمایندگان مجلس اسلامی مور قبول واقع نشدند. اما بعد از چند هفته رایزنی «دانش آشتیانی» یکی از آخرین گزینه های «روحانی» جهت پُست وزارت آموزش و پرورش که متهم به شرکت در اعتراضات سال ۸۸ یا به قول مخالفان دولت «روحانی»، «دانش آشتیانی» فعال فتنه ۸۸ بوده و از خانواده آموزش و پرورش نیست.»

اما امروز به دنبال جنگ جناح های درون حاکمیت رژیم اسلامی، بر سر کسب قدرت، «دانش آشتیانی» با ۱۵۷ رأی موافق، ۱۱۱ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع به عنوان وزیر آموزش و پرورش رژیم از مجلس اسلامی، رأی اعتماد گرفت و به این پست برگزیده شد.

مضافاً اخبار اختلاس و فساد مالی ۸ هزار میلیارد تومانی، دریافت پاداش های میلیونی و وام های بدون بهره توسط مدیران، دست نشاندهگان و کاربه دستان در گیر در کشمکش های جناح های درون هیأت حاکمه رژیم اسلامی حکایت دارد، به گونه ای که پدیده فساد، آموزش و پرورش رژیم را با دشواری جدی روبه رو کرده است و این وزارتخانه تا کنون بدون وزیر مانده است.

با توجه به پایگاه طبقاتی رژیم اسلامی، براساس آموزش بر مبنای دین و تفکیک بر مبنای جنسیت در مراکز آموزشی و مدارس، نبود حداقل امکانات اولیه جهت تحصیل تعداد زیادی از دانش آموزان مناطق فقیر نشین در شهر و روستا، عدم احساس مسئولیت و بی تفاوتی به سرنوشت و آینده این عده از دانش آموزان در ایران زیر سلطه رژیم اسلامی، به اجبار و از سر ناچاری در «مدارسی» به تحصیل اشتغال دارند که قبلاً محل نگهداری از حیوانات (طویله) یا غسالخانه (مرده شور خانه) بوده است.

«خادمی» نماینده مردم شهرهای «ایذه» و «باغملک» از استان خوزستان، در روز چهارشنبه ۲۴ شهریور [سنبله] ۱۳۹۵، گفت «برای بازدید به دو روستای شهرستان «ایذه» رفتم. در روستای «سید خدر» دو فضا در کنار هم بودند یکی برای

نگهداری محل خوراک حیوانات(کاهدان) و دیگری محل نگهداری حیوانات(طوبله) بود، در چنین شرایطی دانش آموزان به ناچار همراه با معلم خود از کلاس اول تا ششم ابتدائی در کلاسی که قبلاً محل نگهداری از حیوانات(طوبله) بود درس می خواندند.»

بعد از رسانه ای شدن این رسوائی در فضای مجازی، «شریعتی» استاندار خوزستان ضمن عذرخواهی از مردم این منطقه، اعلام کرد، «ما تصمیم گرفتیم که به امید خداوند تا پایان سال تحصیلی ۹۶، مدرسه خشتی، گلی و کپری در سطح استان نداشته باشیم. به شما قول خواهیم داد که قطعاً یک کانکس به کلاس «سید خدر» اختصاص خواهیم داد و همچنین برای ساخت یک مدرسه در این روستا برنامه ریزی می کنیم.»

به دنبال این «برنامه ریزی» و با «امید به خداوند» استاندار خوزستان، یک کانکس به روستای «سید خدر» و دو کانکس به دو روستای که، دانش آموزان آن در زیر درختان درس می خواندند، اختصاص داد. اما به دلیل نبود جاده در مسیر این روستاها، این کانکسها بیش از یکماه است که در بیابانها رها شده و هیچ کدام از ارگانهای حکومتی مسؤولیت انتقال آنها را به این سه روستا به عهده نخواهند گرفت.

به این ترتیب تنها کلاس روستای «سید خدر» که در «طوبله» برگزار می شد تعطیل شده و دانش آموزان این مدرسه، هنوز کلاسی برای تحصیل ندارند.

اما بحث بر سر کمبود مدارس، کمبود بودجه و کلاس های نا امن و غیر استاندارد همچنان نقل مجالس است. به گونه ای که در روز شنبه ۸ آبان [عقرب] ۱۳۹۵، «سجاد» مدیرکل نوسازی اصفهان به خبرنگار مهر، گفت، «تحصیل دانش آموزان استان اصفهان در ۴۹۳۵ مدرسه تخریبی با بیش از ۱۱ هزار کلاس درس در این استان سایه انداخته است به گونه ای که هر لحظه ممکن است خبر ریزش سقف و یا آتش گرفتن کلاسی در مدارس استان اصفهان به موضوع داغ کاربران شبکه های اجتماعی تبدیل شود.»

علاوه بر نا امنی که دانش آموزان «خوانسار» را در این «غسالخانه مخروبه» با خطر جدی مواجه خواهد کرد، برگزاری کلاس درس در این ساختمان وجدان آگاه هر انسان آزادیخواهی را جریحه دار خواهد کرد. متأسفانه طبیعت نیز چندان سرسازگاری با مردم این دیار را ندارد تا جایی که خشکی زاینده رود و به دنبال آن فرونشستن زمین در شهرستان «فلورجان» باعث افزایش مدارس تخریبی شده است.

با وجود این همه امکانات و در آمد حاصل از آن در استان اصفهان از جمله؛ بیش از ۹ هزار واحد صنعتی، ۱۰ درصد صنایع بزرگ کشور چون هواپیماسازی، هلی کوپترسازی، انرژی هسته ای، و تولید ۷۰ درصد فولاد کشور، ۵۰ درصد از مصالح و سنگ کشور، ۶۰ درصد مصنوعات طلای کشور و ۳۲ درصد فرآورده های نفتی کشور در استان اصفهان صورت می گیرد چرا وضع این چنین است؟ اگر تنها یک در صد از درآمد این ۶۰ در صد مصنوعات طلای کشور که توسط والدین کارگر همین دانش آموزان از معادن استان اصفهان استخراج می شود، صرف هزینه ساخت نه تنها مدرسه ای دو کلاسه در خوانسار بلکه مشکلات آب آشامیدنی، سرویس بهداشتی، زمین و امکانات ورزشی و .... را برای دانش آموزان این مدرسه تأمین خواهد کرد.

اما صد افسوس از این که دانش آموزان این استان حاصل خیز در یکی دو اتاق از «غسالخانه ای» به تحصیل اشتغال دارند که یک سمت آن قبرستان است و در و دیوار آن هنوز بوی مرده می دهد.

اخیراً «یعقوب توکلی»، نویسنده و .. ، در گفت و گو با خبرنگار تسنیم، گفت: «اسناد مربوط به فعالیت های ایران در بازسازی کشور لبنان که اخیراً در قالب یک کتاب مورد بررسی قرار گرفته است، نشان می دهد که ایران در سال ۲۰۰۶ برای این امر، ۱۰۰ میلیون دالر هزینه کرده است.»؟!

این در حالی است که بنا به گفته «حسین سجاد» مدیرکل نوسازی مدارس استان اصفهان، «اعتبار تعیین شده برای نوسازی مدارس در سال جاری ۴۰ میلیارد تومان بوده است که هنوز ریالی از آن پرداخت نشده است.»!

با توجه به این ریخت و پاش ۱۰۰ میلیون دالری جهت تقویت تروریست های حزب الله طرف دار رژیم اسلامی در لبنان، از قرار معلوم پایانی بر این نوع از کلاسهای درس در «غسالخانه های مخروبه» تحت نام مدرسه نیست.

این بی عدالتی و بی توجهی رژیم حاکم بر ایران، رنج و مشقت بی پایان و غیر قابل تصویری را به دانش آموزان و معلمان زحمتکش آنها در این نوع از «مدارس» تحمیل کرده است. به گونه ای که اثرات مخرب روحی و جسمی جبران ناپذیری را بر آن تعداد از دانش آموزانی خواهد داشت که از سن ۷ تا ۱۲ سالگی که دوره سوم کودکی نامیده می شود و طی این مدت کودکان از نظر (جسمی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و ذهنی) رشد می کنند، متأسفانه در چنین محیط و فضائی (غسالخانه و طویله) به جای کلاس و مدرسه، ضربه مهلکی بر جسم و روح این دانش آموزان خواهد زد.

ضروری است که در چنین شرایطی سازمانها و انجمن حمایت از حقوق کودکان، کانونهای صنفی معلمان، سازمانها و احزاب سیاسی مخالف رژیم اسلامی، انسانهای مبارز و انقلابی و در رأس آنها کارگران آگاه به همراه والدین دانش آموزانی که فرزندان آنها در چنین شرایط و مکان های نامناسبی تحت نام مدرسه و کلاس درس گرفتار شده اند، به هر وسیله ممکن در اعتراض به وضع موجود جهت پایان دادن به این نوع از شکنجه روحی دانش آموزان در این «مردم شور خانه ها» و «طویله ها» اقدام و صدای اعتراض خود را به وضع موجود به اطلاع مردم مبارز و آزادخواه در ایران زیر سلطه رژیم سرمایه داری اسلامی، برسانیم.

سه شنبه ۱۱ آبان [عقرب] ۱۳۹۵